

نگاه

نبرد پنهان بین ۲ حزب حاکم بر تونس

● این روزها یک بار دیگر حرف وحديث‌ها درباره احتمال تعديل دولت تونس زياد شده است. هدف از اين تعديل، در درجه نخست برگردن بعضي از وزارتخانه‌های خالی ازجمله آموزش‌وپرورش، برنامەريزي و دارايي است. اين در حالی است که «يوسف الشاهد» نخست‌وزير تونس، سخن از یک دولت تعديل‌شده و چابک می‌زند؛ گویی درختي را نشان می‌دهد که در پشتش جنگلي پنهان باشد. هر چه هست، دو حزب اصلی حاکم بر تونس، یعنی حزب اسلام‌گرای «النهضة» به رهبری «راشد الغنوشي» و حزب «ندای تونس» به رهبری «قاید السبيسي»، بر سر اين تعديل‌ها با یکدیگر اختلاف دارند. رهبران حزب ندای تونس می‌گویند این تعديل‌ها باید ریشه‌های باشد، به‌گونه‌ای که تعداد زیادی از وزارتخانه‌ها را شامل شود؛ حال آنکه حزب النهضة با این امر مخالف بوده و می‌گوید باید تعديل جزئي و محدود باشد و اصلاحات فراقير به بعد از انتخابات آینده که قرار است ۱۷ دسامبر سال جاری میلادی برگزار شود، موکول شود.

حافظ قاید السبيسي، فرزند رئیس‌جمهوری تونس و مدیر اجرائی حزب ندای تونس، می‌گوید: «این بار حزب ندای تونس هرگز نمی‌گذارد نتایجی که در انتخابات سال ۲۰۱۴ به دست آمد، تغییر کند». بر این اساس، او ابراز امیدواری می‌کند که حزیش مانند دفعه پیش، بیشترین سهم را از وزارتخانه‌های آینده داشته باشد؛ اما به‌عمد تغییرات مهمی را نادیده می‌گیرد که پس از انتخابات و در سال‌های اخیر برای حزب حاکم به وجود آمد؛ تغییراتی که باعث شد حزب ندای تونس به سه حزب مجزا تقسیم شود، به گونه‌ای که این حزب در پارلمان اکثریت خود را از دست داد و حزب النهضة از نظر تعداد نمایندگان از آن پیشی گرفت. بنابراین مشروعیتی که او از آن سخن می‌گوید، بخشی از تاریخ گذشته به حساب می‌آید و فعلا ابعاد سیاسی خود را از دست داده و تنها جنبه‌های قانونی و رسمی آن باقی مانده است.

بااین‌حال، «ندای تونس» حزبی قوی و شریکی لازم برای حکومت است؛ هرچند در داخل دچار بحران‌های متعددی باشد و این بحران‌ها نیز روزبه‌روز تشدید شود. از آن گذشته، هرگونه تعديل در دولت الشاهد نیز بحران‌های داخلی این حزب را بیشتر تشدید می‌کند و در ضمن، اختلاف‌های درون حزب را به درون دولت يوسف الشاهد منتقل می‌کند و این همان چیزی است که نخست‌وزير خلاف پسر السبيسي، بسیار نگران وقوع آن است. همین‌ها موجب شده بعضي اين تحليل را داشته باشند که دولت آینده به دليل همین مسائل، از پایه دولتي ناکارآمد و فلج خواهد بود.

از سوی دیگر، حزب النهضة نسبت به این تمایل حزب ندای تونس احساس رضایت نمی‌کند و آن را نوعی سیطره بر دولت آینده می‌داند. درعین‌حال، النهضة نمی‌خواهد ندای تونس را به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک خود در حکومت از دست بدهد. رهبران این حزب همچنین می‌گویند نمی‌خواهند یک‌کش حزب حاکم هم باشند. اینها نشانه‌هایی است که می‌گوید حزب النهضة نیز قطب‌نمای دقیقی برای رصد تحولات آینده ندارد. اظهارات چندی پیش راشد الغنوشي، بازنات‌هایی منفی مواجه‌ش‌د و يوسف الشاهد آنها را توهیني به خود تلقی کرد؛ مسئله‌ای که بار دیگر ارتباط این حزب و دولت را با شک و تردیدهای زیادی همراه کرد.

گذشته از همه اینها، حزب النهضة می‌خواهد از طریق انتخابات شوراها، ثابت کند بزرگ‌ترین قدرت سیاسی در کشور است و بنابراین باید در برابر شریک اصلی خود از حق «وتو» برخوردار باشد. به این خاطر النهضة به‌شدت با تعديل وزارتخانه‌های اصلی ازجمله وزارت کشور مخالف است. حزب ندای تونس قصد دارد این وزارتخانه را در اختیار خود بگیرد. چرن روز پیش، شایع شد وزیر کشور قصد دارد از مقام خود استعفا دهد، خبری که بلافاصله تکذیب شد.

به‌این‌ترتیب، اکنون هرگونه تعديل در وزارتخانه‌های دولتي، به آزمونی برای قدرت بین دو حزب حاکم تبدیل شده است؛ زیرا هرکدام که بتواند خواست خود را تحمیل کند، معادلات آینده را به‌ویژه در انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری، رقم خواهد زد. درعین‌حال، این اختلاف‌ها می‌تواند به نقطه‌ای برای پایان همکاری و شراکت عجیب‌وغریب این دو حزب در تونس نیز منجر شود. به گفته برخی منابع، چه الشاهد این تعديل‌ها را انجام دهد و چه به تعویق بیندازد، بعید به نظر می‌رسد بتواند به همه شروطی که مرد شماره یک حزب ندای تونس در میان گذاشته بود، تن دهد؛ زیرا اگر چنین کند، دولتش را به‌شدت زمین‌گیر کرده است. از طرف دیگر نیز الشاهد نمی‌خواهد همه ارتباطات خود را با حزب النهضة قطع کند؛ زیرا به‌این‌ترتیب دولت را در گردابی از مشکلات خواهد انداخت. درحال‌حاضر، تنها برگ برنده برای الشاهد، اعتماد رئیس‌جمهور و حمایت‌های او در این مرحله دشوار است؛ مرحله‌ای که به‌زودی شاهد دشواری‌های اقتصادی، اجتماعی و چه‌بسا امنیتی تازه‌ای خواهد بود که ممکن است در مقایسه با گذشته، بی‌سابقه باشد.

❖ منبع: العربي الجدید

اگر در روزهای اخیر، اخبار مسلمانان روهینگیا را دنبال کرده باشید، می‌دانید که از ۲۵ ماه آگوست سال جاری تاکنون، بیش از صد هزار نفر از ساکنان روهینگیا برای نجات جان خود از حملات ارتش میانمار، مجبور به ترک خانه و گاشانه خود شده‌اند. پناه‌جویانی که موفق شده‌اند خود را به بنگلادش برسانند، از سوزانده‌شدن روستاهایشان به دست ارتش و شبه‌نظامیان بودایی و همچنین کشتار کودکان و زنان بی‌گناه خبر داده‌اند. با این حال، «آنگ سان سوچی»، رهبر میانمار، در اولین واکنش خود به این بحران به نوعی مدعی شده است که درباره بحث اعمال خشونت علیه مسلمانان روهینگیا بزرگ‌نمایی شده است. ارتش نیز دلیل حملات خود به این منطقه را مقابله با جنگ‌جویان روهینگیایی عنوان می‌کند که به مقرهای پلیس میانمار حمله می‌کنند. اما این افراد مسلح که خود را «ارتش رهایی‌بخش روهینگیا» می‌خوانند به‌راستی چه کسانی هستند؟

ارتش‌هایی بخش روهینگیا

ارتش رهایی‌بخش روهینگی‌ا آراکان ملقب به «آرسا» در ایالت راخین در شمال میانمار فعالیت دارد؛ استانی که اکثریت مسلمان آن با فقر مفرط، فقدان حقوق شهروندی و محدودیت‌های دولتي دست‌وپنجه نرم می‌کنند. دولت میانمار از اعطای حق شهروندی به آنها امتناع کرده و آنها را مهاجرانی غیرقانونی می‌داند که از بنگلادش به این کشور آمده‌اند. در خلا حمایت دولتي، آرسا هدف خود را «دفاع، نجات و محافظت» از مردم روهینگیا در برابر سرکوب دولتي عنوان می‌کند. هرچند این نیروی شبه‌نظامي پیش‌تر با نام‌هایی دیگر همچون «حرکت الیقین» فعالیت داشته است، اما حمله به مقرهای پلیس در استان راخین در ۲۵ آگوست که به کشته‌شدن ۱۲ نفر انجامید، بزرگ‌ترین حمله این گروه تاکنون بوده است. دولت این گروه را یک سازمان تروریستی توصیف می‌کند و بر این باور است که رهبران آن در کشورهای خارجی ازجمله عربستان سعودی آموزش دیده‌اند. طبق اعلام «گروه بین‌المللی بحران»، رهبر این کشور عطاالله نام دارد که در پاکستان به دنیا آمده و در عربستان سعودی بزرگ شده است. با این حال، سخنگوی این گروه هرگونه ارتباط با گروه‌های جهادی را رد می‌کند و با

این استدلال که این گروه به شهروندان و مردم عادی حمله نمی‌کند، برچسب تروریستی‌زدن به این گروه را نادرست می‌داند.

بحران درمرزا

ریشه‌های شکل‌گیری این گروه مسلح به قیام‌های مردمی سال ۲۰۱۲ میلادی برمی‌گردد که بنا بر گزارش سازمان ملل، دولت میانمار به شکلی سبانه دست به سرکوب آن زد. حال حملات آرسا به نیروهای پلیس و امنیتی بهانه‌ه کافی برای اعمال خشونت مضاعف را به ارتش و سربازان میانماري داده است. در چنین شرایطی، مردم روهینگیا چاره‌ای جز ناپردن به کشورهای هم‌جوار ازجمله بنگلادش ندارند. اما اردوگاه‌های پناهندگان در بنگلادش همین حالا نیز در مرز انفجار قرار دارد. دولت بنگلادش نیز عملاً مرزهای خود را به روی آوارگان روهینگیایی بسته است اما به خاطر جنک‌های انبوه در مرز بنگلادش و میانمار، جریان ورود پناه‌جویان به این کشور همچنان ادامه دارد. این در حالی است که «رویترز» از مین‌گذاری برخی مناطق مرزی دو کشور از سوی میانمار به منظور جلوگیری از بازگشت پناه‌جویان خبر داده است. این‌ها اخبار بعد از آن قوت گرفت که دو کودک و یک زن در انفجارهایی در نزدیکی مرز مجروح شدند. شاید

بانوی صلح، انتقادات از برخورد دولت میانمار با مسلمانان روهینگیا را رد کرد

آبروی از دست رفته «سوچی»



عکس: Reuters

اقدام دولت میانمار برای جلوگیری از بازگشت این پناه‌جویان باعث شده باشد که دولت بنگلادش به فکر اختصاص جزیره‌ای برای اسکان این پناه‌جویان بيفتد؛ جزیره‌ای که گفته می‌شود با خطر وقوع سيل و حمله دزدان دریایی مواجه است. در این میان، کشورهای همسایه میانمار نیز سکوت کرکننده‌ای درخصوص بحران روهینگیا اتخاذ کرده‌اند. روز چهارشنبه «نارندرا مودی»، نخست‌وزير هند، در حالی با سوچی دیدار کرد که به ابراز نگرانی درخصوص خشونت‌های افراطی بسنده کرد. آقا مودی ماه گذشته وعده داده بود که ۴۰ هزار روهینگیایی ساکن هند را به میانمار بازخواهد گرداند.

تصاویر اشتباهی

از دیگر سو، محدودیت دسترسی رسانه‌ها به این منطقه نگرانی‌ها درباره وضعیت این اقلیت مسلمان را افزایش داده است. در این‌میان، برخی رهبران جهان ازجمله «رجب طیب اردوغان» درخصوص وضعیت پناه‌جویان ازجمله فقدان سرپناه، آب و غذا هشدار داده‌اند. «ملاхе یوسف‌غزی»، نماینده سازمان ملل و برنده جایزه صلح نوبل نیز از آنگ سان سوچی خواسته است به خشونت‌ها پایان دهد. همه اینها باعث شد تا روز گذشته، آنگ سان سوچی، تحت

واکنش‌های بین‌المللی سرانجام واکنش نشان دهد. او در گفت‌وگویی تلفنی با رجب طیب اردوغان عنوان کرده که به واسطه «کوه یخی از اطلاعات نادرست»، تصویری غلط از تنش‌ها ارائه شده است. سوچی یکی از دلایل ایجاد این تصویر غلط از درگیری‌ها در این منطقه را وجود شمار زیادی عکس‌های خبری جعلی می‌داند که با هدف تفرقه‌افکنی و تبلیغ اهداف گروه‌های تروریستی دست‌به‌دست می‌شوند. این مسئله‌ای است که «جاناتا هیده»، خبرنگار آسیای جنوب شرق بی‌بی‌سی، «نیز تا حدودی بر آن صحه می‌گذارد.